



تحلیل و بررسی ارتباط بین خلاقیت و پیشرفت تحصیلی

سید احمد هاشمی، عبدالله سدهی، غلامرضا بدیعی، طاهره همتی، علیرضا عشقی

مقدمه:

می شود نیاز به شناسایی و پرورش خلاق و آفریننده بیشتر و شدیدتر احساس می گردد. به همین دلیل در شرایط کنونی مسئله خلاقیت از مهمترین مسائل در قلمرو روانشناسی آموزشی است (افروز، ۱۳۷۱). خلاقیت یا آفرینندگی نوع به خصوصی از حل مسأله است که در آن فرد نه تنها در راه حل مسئله بلکه خود مسئله نیز شخصا تعیین می کند. انعطاف پذیری در تفکر، یکی از تواناییهای برجسته افرادی است که در حل مسئله و فعالیت‌های خلاق توفیقهایی زیادی به دست می آورند (سیف، ۱۳۸۲).

آفرینندگی یا خلاقیت از فرایندهای فکری است که به فرایند حل مسئله بسیار نزدیک است یک کشف علمی بزرگ یا یک اثر هنری بزرگ مطمئناً از فعالیت حل مسأله سرچشمه می گیرد.

بسیاری از اندیشمندان آفریننده اظهار داشته اند که پیش از آفرینش یک اثربرای مدت طولانی در باره مسائل مربوط به آن عمیقاً به مطالعه و تفحص مشغول بوده اند در واقع اگر مطلب به غیر از این بود، تعجب آور می نمود. در اظهارات این افراد هیچ چیز نشان نمی دهد که بین حل مسأله و کوششهای آفریننده ای که منجر به کشفیات دارای آثار مهم اجتماعی میشود تفاوتی زیادی وجود دارد (گانیه، ۱۹۷۷).

با وجود شباهت زیاد بین حل مسأله و آفرینندگی میتوان بین این دو از این تفاوت قابل شد که حل مسئله فعالیتی ایینی تر از آفرینندگی است و هدف مشخص تری از آن دارد. حل مسئله بر واقعیات استوار است و هدف آن عینی و بیرونی است در حالی که آفرینندگی بیشتر جنبه شخصی دارد و زیادتر از حل مسئله مبتنی بر شهو د و تخیل است.

به عبارتی دیگر در حل مسأله شخص با موقعیتی روبه رو می شود که باید برای آن راه حل بیابد، اما در آفرینندگی فرد هم موقعیت مسئله و هم راه حل آن خود را می آفریند. (وول فولک، ۱۹۸۷)

ویژگیهای مهم آفرینندگی که آن را از حل مسئله متمایز می کند، تازگی نتایج آفریننده است. یعنی راه حل های آفریننده راه حل های تازه ای هستند که دیگران قبلاً به آن دست نیافته اند. بنابراین تاکید آفرینندگی بر اثر یا بازده فکری تازه است (هسته اصلی تمام مفاهیم مربوط به خلاقیت را مفهوم تازگی تشکیل می دهد) آفرینندگی به راه حل های تازه، اصیل، مستقل و تخیلی اندیشیدن در باره انجام کارها می انجامد (وول فولک، ۱۹۸۷)

یکی دیگر از ویژه گی های اصلی تفکر آفریننده (خلاق) تفکر واگراست. تفکر واگرا و تفکر هم گرا دو بخش تفکر انسان هستند اما تفاوت آنها در این است که در تفکر همگرا نتیجه تفکر از قبل معلوم است، یعنی همیشه یک جواب غلط و درست وجود دارد اما در تفکر واگرا جواب قطعی وجود ندارد و تعدادی جواب موجود است که هر یک

با نگاهی به زندگی بشر در طول حیات، متوجه خواهیم شد که استفاده از نیروی تفکر و اندیشه، او را از سایر موجودات عالم خاکی متمایز کرده است. مسائلی از قبیل کشف آتش، استفاده از ابزار های سنگینی و پس از آن بکارگیری ملزومات فلزی و ... همه نمایانگر فکر خلاق و نو آور بشر در طول تاریخ است.

بسیاری چنین دمی پندارند که ابداع، خصوصیتی ذاتی است، در حالی که مدتها ثابت شده است که این استعداد در نوع بشر عمومیت دارد و می توان با بکار گیری اصول و تکنیکهای معینی با ایجاد طرز فکرهای جدید و با اجتناب از عادات یکنواخت همیشگی، خلاقیت را پرورش داد (حسینی، ۱۳۷۸).

سبب شد در جوامع به تدریج به عظمت و ارزش تفکر خلاق انسان و نقش آن در پیشرفت علوم و فن آوری توسعه فرهنگ پی ببرند. به این ترتیب تلاش برای کشف ماهیت خلاقیت و راز پرورش آن آغاز شد. نهضت پرورش استعداد خلاقیت و ابداع در کشورهای صنعتی پیشرفته در حال رشد می باشد.

تحقیقات در این زمینه لاقلاً در سالهای دهه ۱۹۳۰ بر می گردد و اواسط ۱۹۵۰ تحقیقات با سرعت بیشتری توسعه یافته است (آسپورون، ۱۹۹۰).

تا کنون تعاریف و نظریه های گوناگونی در باره خلاقیت مطرح گردیده است که هر کدام جنبه ای خاص از آن را مورد تأکید قرار داده اند. بیان مسأله:

از حدود سال ۱۹۵۰ به بعد روانشناسان در یافتند که هوش و خلاقیت از یک مقوله نیستند و نیاز به شناخت آنها احساس شد و به تدریج در تحقیقات گسترده ای در این زمینه آغاز گردید.

اولین بار «گیلفورد» در این زمینه طرح وسیعی را به مر حله اجرا در آورد. طرح گیلفورد تأثیر زیادی بر ادامه تحقیق درباره خلاقیت داشت (حسینی، ۱۳۷۹).

از همان زمان اولین مطالعات و تحقیقات بنیادی و هدف دار در مورد خلاقیت آغاز گردید و امروزه پس از گذشت بیش از نیم قرن از شکل گیریهای این نهضت علمی، خلاقیت به عنوان یکی از مهمترین و شگفت انگیز ترین زمینه های روانشناسی محسوب می شود. (سلیمانی، ۱۳۸۰)

هم اکنون نیز موضوع خلاقیت محور تحقیقات بی شماری است، زیرا برای همگان روشن است که پیشرفت د و جامعه بدون خلاقیت غیر ممکن است، موفقیت هر فرد و جامعه در بهره مندی و استفاده از توانایی های خلاق وابسته به شناخت ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن است. (حسینی، ۱۳۷۹)

امروزه جامعه ما بیش از هر زمان دیگری به افراد هوشمند و خلاق نیاز دارد، هر چقدر جهانی که مادر آن زندگی می کنیم، پیچیده تر